

نه به قانون و انکار رژیم مصاحبه با یاسمین میظر عضو هیئت هماهنگی اتحاد

چپ کارگری

تک برگی راه کارگر: شما اساساً سطح همکاری‌ها و حمایت‌های بین‌المللی خود را با محافل، مجامع کارگری و روشنفکری دانشگاهیان چپ و مترقی چگونه آغاز کردید؟

یاسمین میظر: در رابطه با چند کارزار بین‌المللی در مقطع قتل‌های زنجیره و جنبش دانشجویی و در جریان سرکوب مطبوعات، اتحاد چپ کارگری در هم‌کاری تنگاتنگ با هیأت تحریریه «ایران بولتن» و گرایش‌های درون این اتحاد، خصوصاً رفقای گرایش سوسیالیسم و انقلاب که تجربه چنین کارزارهایی را داشتند، توانست از تماس‌های بین‌المللی بی‌شماری برای جلب این حمایت‌ها بهره گیرد. ما در همان مقطع با جمع آوری امضاء در سطح گسترده‌ای در آمریکا، اروپا و کانادا توانستیم مسأله افشای قتل‌های زنجیره‌ای را بیش از پیش به نام اتحاد چپ کارگری در سطح جهان و بر علیه رژیم برملا نماییم. چهره‌هایی نظیر چامسکی، آبراهامیان، تونی بن، مزارش، طارق علی، اتحادیه‌های دانشجویی در انگلیس، سوئد، آمریکا، فعالین جنبش کارگری در این کارزارها درگیر شدند و بدین طریق ما توانستیم این کارزارها را پیش ببریم. کار پیگیر (تماس‌های مستمر چند سال گذشته تا به امروز) و هم‌چنین رساندن اخبار موثق و مرتب، از طریق انتشار «خبرنامه کارگری کمپین همبستگی با کارگران ایران» (که به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و سوئدی منتشر می‌شود) در ایجاد این اعتماد و بوجود آوردن زمینه همکاری‌ها نقش مؤثر و تعیین کننده‌ای داشته است.

ارتباطات ما در بریتانیا با اتحادیه سراسری دانشجویان و اتحادیه خبرنگاران و بویژه با نیروهای چپ در این تشکل‌ها، روز به روز گسترش یافته و ما همواره در جلسات دوره‌ای این اتحادیه‌ها در جهت پاسخ‌گویی به انتظارات آنان عمل کرده‌ایم و همین ضریب اعتماد و زمینه همکاری‌های اتحاد چپ کارگری با این اتحادیه‌ها را در حد پیشنهاد و تصویب قطعنامه‌های متعدد، میسر ساخته است. در رابطه با مبارزات کارگران ایران هم کوششی به مراتب گسترده‌تر صورت گرفته ولی شکل و نوع کار اتحادیه‌های کارگری طوری شده است که توان و نیروی چپ در این اتحادیه‌ها روز به روز کمتر می‌شود و اگر چه ما متحدین فعال و متعددی در نیروهای چپ در اتحادیه‌های کارگری چون اتحادیه «یونیسو» در

موفقیت اتحاد چپ کارگری در جلب حمایت اتحادیه سراسری خبرنگاران بریتانیا و در برپایی کمیسیون تحقیق قتل‌های زنجیره‌ای توسط کمیته حقوق بشر قانون وکلای بریتانیا ما را بر آن داشت تا در مصاحبه کوتاهی با رفیق یاسمین میظر یکی از اعضای هیئت هماهنگی ا.چ.ک فعالیت‌های بین‌المللی این اتحاد در چند ماه اخیر را مرور نماییم.

تک برگی راه کارگر: با تشکر از شما اولین سؤال‌مان را مطرح می‌کنیم. اگر ممکن است در رابطه با فعالیت‌های بین‌المللی اتحاد چپ کارگری و سابقه تماس با اتحادیه سراسری خبرنگاران بریتانیا، اتحادیه‌های کارگری و نیروها و فعالین چپ توضیح دهید؟

یاسمین میظر: ما اگر موفقیتی در افشای جمهوری اسلامی و تحریم «صدا و سیما» جمهوری اسلامی داشته‌ایم، این امر از هم‌کاری گسترده و مستمر ما با نیروهای چپ بین‌المللی حاصل گردیده است و اصولاً جز با چنین هم‌کاری‌هایی نمی‌شود فعالیت جدی در افشای سیاست‌های سرکوب و در جلب همبستگی بین‌المللی فعال در خارج از کشور بوجود آورد.

اتحاد چپ کارگری در این زمینه تا حدی از دیگر تجارب موجود در سطح نیروهای اپوزیسیون ایران موفق‌تر بوده است و این را بیش از هر چیزی مدیون تعدد نیروها و گرایش‌های درون این اتحاد و نیروهای حمایت‌گر این پروژه می‌دانیم که به ما اجازه می‌دهد از تماس‌های بین‌المللی همه این گرایش‌ها برای جلب حمایت استفاده نماییم. دلیل دیگر تمایل نیروهای ایرانی خارج از این اتحاد برای هم‌کاری با آن به جای هم‌کاری با یک سازمان یا حزب مشخص است. این در عامل در پیشبرد اهداف بین‌المللی اتحاد چپ تا به امروز تاثیر بسزایی داشته است.

اعلامیه‌های هیئت اجرائی سازمان
 در صفحه ۴

اطلاعیه‌های خبری اتحاد چپ کارگری ایران
 در صفحه ۲

اعلامیه‌ی کمیته اتحاد عمل برای دمکراسی
 در صفحه ۴

پیران آزاد

برخی که به خود، با کم‌ترین هزین، عنوان اصلاح طلب بخشیده‌اند، مدام در بررسی مشکلات کشور و مسائلی که زندگی مردم را به بند کشیده، از قانون دم می‌زنند و اجرای قانون را گره‌گشای همه چیز می‌دانند. گوئی در ایران یا قانونی وجود ندارد و یا بزم اینان قانون به خوبی اجرا نمی‌شود و یا به اصطلاحی که خودشان به کار می‌برند، از «همه ظرفیت قانون اساسی» استفاده نشده است. درست است که بخشی از اینان شیور را از سرگشادش می‌زنند، اما بخش دیگری بر طینت خود می‌تنند و از منافع خود و نظام محبوب‌شان دفاع می‌کنند. و این در حالی است که اکثریت بزرگ مردم ایران که حالا از هر «اهل نظری» نظریات‌ترند، به تجربه زندگی واقعی و مبارزاتی که در یک‌صدسال اخیر داشته‌اند می‌دانند که مسئله چیست و بر این نوع تبیین مسائل کشور مبر باطل می‌زنند. چرا که سیر قانون در مملکت، چیز دیگری را نشان می‌دهد.

قبل از مشروطه، بنا به سنت چند هزار ساله‌ی سلطان شرقی، جز شاه، کسی نه صاحب حقوق و نه اختیار بود. «صاحب‌قران» بنا به میل مبارک جان می‌گرفت، مال می‌بخشید، عزت می‌داد یا به ذلت می‌برد. در این دوره آدمی چون میرزا ملکم که خواستار قانون بود، اگر چه به حداقل راضی بود و معتقد بود که قانون بد هم بهتر از بی‌قانونی است، یک اصلاح طلب و در مسیر خواست مردم بی‌حقوق بود. انقلاب مشروطه، خواست قانون و حقوق را در زندگی جامعه وارد کرد و یورش ارتجاع محمدعلی شاهی، استبداد صغیر، هم نتوانست آن را از صحنه براند. چون مقاومت جانانه مردم و جان‌فروشانگانی چون جهانگیر صوراسرافیل تقمین آن شد. بعد از آن بدون «صورت» قانون نمی‌شد عمل کرد. به همین دلیل در دوره‌ی دو شاه پهلوی، وقتی رضاخان و پسرش، قدرتی به هم زدند، در پوشش قانون آن را نقض کردند و به صورت غیرقانونی شعار «چه فرمان یزدان، چه فرمان شاه» را پیش بردند. در این دوره‌ی «نقض قانون» باز آدمی چون دکتر مصدق اصلاح طلب بود چرا که خواستار جلوگیری از نقض قانون بود، اگر چه آن قانون برآورد کننده همه مطالبات مردم عصر خود نبود. انقلاب بهمن که از مهم‌ترین جنبه‌های آن خیزش علیه همین خیره‌سری و استبداد بود، علیرغم آن که شکست خورد و قدرت بدست موجودات عصر «مقابل قانون» افتاد، نتوانست آب رفته‌ی «بی‌قانونی» را به جوی بازگرداند و بر عکس بدلیل آن که «انقلاب» خود مقوله‌ی مربوط به عصر مدرن است و فشار تحول اجتماعی امیل سنگین بود، عناصر و «صورت‌های حقوقی مدرن و امروزی را در قانون اساسی تزریق کرد.

بقیه در صفحه ۲

دنباله از صفحه ۱ نه به قانون و انکار رژیم

اما این قانون اساسی به ابتکار همین آقای منتظری و آتش‌بازی امثال حسن‌آیت در مجلس خبرگان در بندهای ولایت فقیه چهارمیخه شد؛ و وقتی مالاها جایگاه خود در قدرت را تثبیت کردند، در سال ۶۷ منتخبان خمینی از میان عناصر برگزیده، عمامه‌دار و کلاه‌دار کاست حکومتی در شورای بازنگری قانون اساسی نشستند و با رهبری رفسنجانی و خامنه‌ای، تمامی آن اختیاراتی را که رضاخان و پسرش به صورت غیرقانونی اعمال می‌کردند، بررسی کرده و به صورت قانونی درآورده و یک‌جا در کف ولی فقیه گذاشتند. و این شد "ولایت مطلقه فقیه قانونی" که امروزه جاری و ساری است. و وقتی "گوتوله سیاسی" مثل حاجی کروبی از صندلی ریاست مجلس در پاسخ به اعتراض نمایندگان به حکم وتو ولی فقیه در باره لایحه مطبوعات گفت ولایت مطلقه فقیه یعنی همین، پر بی‌راه و بی‌هوده نگفت و گزافه هم نیست اگر بگوئیم حکومت اسلامی یکی از حکومت‌های قانون‌مدار است و اقدامات ضدانسانی آن با قانون حاکم بر مملکت خوانائی دارد. حالا اگر کسانی به جای توجه به اصل مسئله خود را با این‌جا و آن‌جا قانون و مواردی از آن مشغول می‌کنند که آن‌ها هم جملگی بدندان‌شان به چارچوب "مبانی اسلام" متصل است که تشخیص آن‌ها با شورای نگهبان است که در چنگ رهبر و ولی فقیه است، یا دچار بلاهت بی‌کران و یا زذالت‌اند و یا چون حاجی کروبی هر دو را با هم دارند.

همان‌طور که بیشتر آمد، اکثریت بزرگ مردم مسئله اصلی را خوب دریافته‌اند و در هر جا که فرصت کنند آن‌را نشانه می‌روند و بی‌جهت نیست که خواست رفراندوم برای تعیین تکلیف قانون و موجودیت رژیم اسلامی به یک خواست و مطالبه عمومی تبدیل شده تا با برداشته شدن این مانع نکبت‌آور، راه برای اصلاح و تغییر و دگرگونی گشوده شود.

بی‌شک این خواست عمومی، رفراندوم و «نه» گفتن به موجودیت قانون و رژیم، آن‌چه که مردم نمی‌خواهند را بیان خواهد کرد و نه آن‌چه که می‌خواهند و همه "یک چیز" را نمی‌خواهند. برای مثال ما بر آنیم که که تا از نظم آدمی‌خوار سرمایه‌داری خارج نشویم راه به جایی نخواهیم برد و برای چنین حرکتی بیش و پیش از هر چیز «خود حکومتی» مردم و نه چیز دیگر، یعنی جمهوری واقعی مردم و نه حکومت یک دسته یا حزب و گروه و غیره به نیابت آنان، شرط اصلی است. و این‌را با مردم در میان می‌گذاریم. اما دیگران به گونه‌ی دیگری می‌بینند و منافع دیگری را بیان می‌کنند. آن‌چه مهم است آن‌که همه این گونه‌گونی‌ها نباید در جریان بیان خواست عمومی علیه موجودیت رژیم کم‌رنگ شوند، چرا که درهم رفتن و بی‌رنگ شدن تفاوت منافع و مواضع، راه آزادی و تکامل واقعی را سد می‌کند. در این‌راه و در قدم اول جنبش رفراندوم، نیروهای چپ که جز به آزادی و مردم‌مزد و حقوق‌بگیر وابسته نیستند و دمکرات‌های واقعی که علیه موجودیت کل این رژیم‌اند و دل در گروه آزادی نام و تمام داشته و پی‌گیر حقوق مردم و حق تعیین سرنوشت اقلیت‌های ملی و غیره ساکن ایران هستند، می‌توانند به روشن شدن مسیر و جلوگیری از درهم فرورفتن فاجعه‌انگیز یاری دهند.

* _ ایلها مردا

عدوی تو نیستم، انکار توام (احمدشاملو)

دنباله از صفحه ۱ مصاحبه با یاسمین میظر

بریتانیا یا اتحادیه کارگران معدن داریم، این اتحادیه‌ها یا از توان و موقعیتی برای طرح بحث‌های ما بهره‌مند نیستند. مثلاً اتحادیه کارگران معدن در بریتانیا که سال‌ها از مهمترین اتحادیه‌های این کشور بود، در پی بیست سال حکومت محافظه‌کاران و دولت سوسیال‌دمکرات آن‌چنان ضعیف شده که شعب منطقه‌ای و محلی آن معدود و عملاً ناتوان هستند. یا در مورد اتحادیه «یونیسون»، رفرمیسم و مدافعان دولت در این اتحادیه‌ها و بورکراسی مانع از طرح مسائل غیر صنفی می‌شوند و عملاً این اتحادیه‌ها را از فعالیت سیاسی بازداشته‌اند.

متحد اصلی ما در دفاع از کارگران ایران، فعالین جنبش کارگری بیکار شده در بندر لیورپول، فعالین کارگران اتحادیه معدن چیان و عده‌ای در اتحادیه یونیسون هستند ولی با همه کوشش‌های مان نتوانستیم در سطح سراسری حمایتی جلب کنیم. رفقای ما در امریکا در همکاری با «کانون اتحاد چپ» برنامه‌ای در این رابطه دارند و من شخصاً فکر میکنم این رفقا می‌توانند کارزار جدی در همبستگی با کارگران ایران ایجاد کنند. البته ما در رابطه با هم‌کاری با فعالین جنبش ضد سرمایه‌داری در اروپا موفق بودیم، در هلند، آلمان، سوئد و انگلیس این هم‌کاری‌ها در سطوح مختلف نتایج مثبتی داشته است ولی بنا به تعریف و نوع کار جنبش ضد سرمایه‌داری، شکل و فرم این هم‌کاری‌ها متغییر بوده است. ما مشغول تهیه برنامه گسترده‌ای به همراه نیروهای چپ و رادیکال سوئدی و بین‌المللی برای اعتراض به مراسم گردهم‌آیی سران سرمایه‌داری جهانی در تابستان سال ۲۰۰۱ در شهر گوتنبرگ هستیم تا در شرایطی که سوئد مسئولیت دوره‌ای اتحادیه اروپا را عهده‌دار است، هم‌سو با جنبش ضد سرمایه‌داری جهانی، حرکات اعتراضی گسترده‌ای در دفاع از مبارزات کارگران ایران بر پا سازیم.

تک‌برگی راه کارگر: شما قبل از این قطع‌نامه، کارزاری با کمیته حقوق بشر حقوق‌دانان بریتانیا در رابطه با قتل‌های زنجیره‌ای راه انداختید، لطفاً در این رابطه نیز توضیح دهید.

یاسمین میظر: بله از کارهای موفق این دوره اتحاد چپ کارگری در رابطه با اوضاع داخل، در دومین سال‌گرد قتل‌های زنجیره‌ای و در مقطع بر پایایی دادگاه‌های فرمایشی شرکت‌کنندگان در کنفرانس برلین و محاکمه کزادی دستگیرشده‌گان قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای، ما توانستیم کمیسیون حقوقی تحقیق قتل‌های زنجیره‌ای را بکار اندازیم. این فعالیت بدون کمک کمیته حقوق بشر حقوق‌دانان بریتانیا، کمک اتحادیه سراسری خبرنگاران بریتانیا و وکلای چپ اتحادچپ کارگری در بریتانیا میسر نمی‌شد و کار خود را تازه شروع کرده است. این‌جا لازم است تأکید کنم که مصوبه اخیر اتحادیه

سراسری خبرنگاران و دخالت‌شان در برپایی کمیسیون حقوقی تحقیق قتل‌های زنجیره‌ای، نتیجه کار مستمر رفقای فعال واحد لندن است که اقلماً در ۵ شعبه این اتحادیه سخنرانی داشته‌اند و ساعت‌ها وقت در بحث و مذاکره با فعالین چپ در این اتحادیه صرف کرده‌اند.

رفقای شمال انگلیس و اسکاتلند در شکل‌گیری مصوبه شعبه ادینبورو نقش فعالی داشتند و توانستند مسئله عدم هم‌کاری با «صدا و سیمای جمهوری اسلامی» به مثابه یکی از ارگان‌های سرکوب در ایران را در سطح مطبوعات بریتانیا و در کنفرانس سراسری مطرح کنند و حمایت گسترده‌ای بدست آوردند تا حدی که به رغم مخالفت شدید بخش‌هایی از این اتحادیه، کنفرانس تصمیم گرفت اجرای عملی آن‌را به عهده هیئت اجرایی دوره بعد بگذارد.

تک‌برگی راه کارگر: اتحاد چپ کارگری در سطح بین‌المللی در برخی بحث‌های تئوریک و در برپایی سمینارهایی پیرامون جهانی شدن سرمایه‌داری، فعالیت‌هایی داشته است. فکر می‌کنید این بحث‌ها چه تاثیری داشته است و تا چه حد موفق بوده است؟

یاسمین میظر: ما تاکنون چند سمینار عمده در رابطه با جهانی شدن سرمایه‌داری برگزار کرده‌ایم که سخن‌رانان شناخته شده‌ای چون مزارش، شنه، کلیف سلوتر، مارک اوزبورن میهمانان ما در این بحث‌ها بوده‌اند. شرکت فعال رفقای اتحاد چپ کارگری و نیروهای دیگر ایرانی و خارجی در این بحث‌ها باعث شده زمینه چندین مقاله بحث آماده شود که ترجمه فارسی این بحث‌ها طبعاً به کار فکری جمعی ما در بررسی موقعیت چپ، بحران چپ و وظایف این دوره کمک کرده است. علاوه بر این اتحاد چپ کارگری در کنفرانس‌های سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ نشریه تئوریک کریتیک شرکت کرد و در هر دو کنفرانس مقاله ارائه نمود. ما در کنفرانس اقتصاددانان سوسیالیست شرکت فعال داشتیم و در بحث‌های این کنفرانس‌ها در مورد اوضاع اقتصادی ایران، مبارزات کارگری و اوضاع سیاسی بحث کردیم.

در سوئد رفقای اتحاد چپ در رابطه با جهانی شدن سرمایه‌داری و در در رابطه با مبارزات زنان و جنبش فمینیستی چندین بحث به زبان‌های سوئدی و انگلیسی برگزار کرده‌اند که طبعاً آرایه این بحث‌ها به زبان‌های گوناگون در غنی کردن کار فکری همه ما نقش موثری داشته است و خوشبختانه در این نوع جلسات، بحث‌های نظری موردتوجه قرار می‌گیرد و تا حدی ما را از بحث‌ها یا پلمیک‌های تکراری رایج در جریان‌های چپ ایرانی نجات می‌دهد. ولی طبیعی است این نوع بحث‌ها برای برخی از اعضا و نیروهای درون و بیرون اتحاد چپ کارگری جاذبیت ندارد و این جنبه منفی این حرکات است که باید بعدها به آن توجه بیشتر بشود. رفقای امریکا به کمک «کانون اتحاد چپ ایرانیان» در امریکا قصد دارند در کنفرانس سالانه «یادداشت‌های کار» مقاله‌ای

بقیه در صفحه ۳

اطلاعیه‌های خبری اتحاد چپ کارگری ایران کنفرانس سالانه‌ی اتحادیه ملی خبرنگاران بریتانیا و ایرلند و

تحریم کامل صداوسیما‌ی جمهوری اسلامی

در نشست بعدازظهر روز شنبه سی‌ویکم مارس کنفرانس اتحادیه ملی خبرنگاران بریتانیا و ایرلند که از روز جمعه سی‌ام مارس در شهر اسکاربرد-یورکشایر برگزار شده است دو قطع‌نامه‌ی مهم در دفاع از آزادی مطبوعات در ایران و مقابله با اقدامات سرکوب‌گرانه‌ی "صداوسیما"ی جمهوری اسلامی به تصویب رسید.

قطع‌نامه نخست که به پیشنهاد کمیته‌ی اجرایی سراسری (NEC) به شماره‌ی ۱۴۶ در دستور کار کنفرانس قرار گرفته بود به اتفاق آراء به تصویب رسید. در این قطع‌نامه پس از محکومیت شدید جمهوری اسلامی به خاطر سرکوب مطبوعات، قویاً درخواست شده است، از نشریات توقیف شده فوراً رفع توقیف شود؛ همه روزنامه‌نگاران زندانی بی‌قیدوشرط آزاد شوند و سیاست اعمال فشار و تهدید علیه مطبوعات بی‌درنگ متوقف گردد.

قطع‌نامه‌ی دوم، به صورت الحاقیه به قطع‌نامه‌ی قبلی و به شماره‌ی ۱۴۷ پیشنهاد شد. در این قطع‌نامه شبکه‌ی صداوسیما‌ی جمهوری اسلامی (IRIB) به عنوان یکی از دستگاه‌های اصلی سرکوب سیاسی و مطبوعاتی در ایران معرفی می‌شود و بر لزوم محرومیت آن از دسترسی به منابع و امکانات فنی و اطلاعاتی جهانی تأکید می‌شود. در متن قطع‌نامه بطور مشخص محرومیت صدا و سیما‌ی جمهوری اسلامی از دسترسی به اخبار بین‌المللی، برنامه‌های ورزشی و تفریحی و نیز امکانات ماهواره‌ای درخواست می‌شود. کنفرانس ضمن تأیید این قطع‌نامه جهت بررسی و تدارک عملی، آن را به کمیته‌ی اجرایی تسلیم کرد.

پذیرش قطع‌نامه‌ی ۱۴۷ بدون شک یکی از با اهمیت‌ترین اقداماتی است که جامعه‌ی مطبوعاتی جهانی در مقابله با اختناق، سرکوب و ترور مطبوعاتی در یک کشور معین در سال‌های اخیر انجام داده است. توضیحات روشن‌گرانه‌ای که یاسمین میظر یکی از اعضای هیئت‌همه‌نگی اتحاد چپ کارگری ایران در این کنفرانس، در رابطه با توقیف مطبوعات، دستگیری روزنامه‌نگاران، انفعال جناح اصلاح طلب در دفاع از روزنامه‌نگاران و نیز نقش مخرب و سرکوب‌گرانه و ضد اطلاعاتی "صداوسیما"ی جمهوری اسلامی، ارائه کرد، و اسناد و مدارکی که به کنفرانس ارائه داشت، قطعاً سهم زیادی در تقاعد ساختن کنفرانس در به تصویب رساندن چنین قطع‌نامه‌ای داشته است.

هیئت‌همه‌نگی اتحاد چپ کارگری ایران

۱۳۸۰-۱ آوریل ۲۰۰۱

روزنامه کیهان : وحشت از تحریم صدا و سیما‌ی جمهوری اسلامی

روزنامه کیهان ، ۱۹ فروردین ۱۳۸۰، تحت عنوان «خبرویژه» علل تصویب قطعنامه «تحریم صدا و سیما‌ی جمهوری اسلامی» در کنفرانس اتحادیه خبرنگاران بریتانیا را نشانه وابستگی اعضای این اتحادیه به «صهیونیسم» دانسته، می‌نویسد این اتحادیه : « در کنفرانس‌های خود هیچ اشاره‌ای به مجبورکردن خبرنگاران بین‌المللی برای سانسور واقعیت‌های حاکم در سرزمین اشغالی فلسطین نکرده و اقدامات رژیم صهیونیستی را محکوم نموده است »

این تفسیر روزنامه کیهان ، مثل بقیه تفسیرها و گزارش‌هایش ترکیبی است از بی‌اطلاعی و تعقیب سناریو «توطئه» برای نجات خود و متحدانش در سرکوب مبارزات مردم ایران در «صدا و سیما‌ی جمهوری اسلامی».

بقیه در صفحه ۴

هستند و مقاله‌ها و نوشته‌های خود را در اختیار ما قرار داده‌اند، از جمله پرفسور موشه ماخوور و خانم یایل کوهن. مقاله‌های این رفقا در تارنمای اتحاد چپ کارگری و در نشریه‌های سازمان‌های درون این اتحاد انعکاس یافته است. ما با کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی در ترکیه که در اعتصاب غذا هستند در تماس هستیم. این رفقا که از زمان «کارزار همبستگی با دانشجویان ایرانی» در سال گذشته با ما نامه‌نگاری داشتند و متأسفانه این هفته پیام تسلیت مان برای درگذشت اولین زندانی اعتصابی را برای‌شان فرستادیم.

اتحاد چپ کارگری هم‌چنین به کنفرانس خاورمیانه و بالکان در دانشگاه آتن دعوت شده بود که به علل گوناگون حضور در این جلسه میسر نشد ولی گویا اخبار کارگری و مواضع اتحاد چپ کارگری توسط رفقای از احزاب ترسکیست یونان به زبان یونانی ترجمه می‌شود و این رفقا تاکنون در شناساندن اتحاد چپ کارگری نقش موثری داشته‌اند. ما هم‌چنین به شبکه سوسیالیست‌های خاورمیانه پیوسته‌ایم.

تک‌برگی راه کارگر: اکنون چه برنامه‌هایی در دستور کار شماست و از تجربه چند ماه گذشته چه نتایجی گرفته‌اید؟

یاسمین میظر: یکی از کارزارهایی که فراموش کردم به آن اشاره کنم و از جنبه‌هایی برای همه ما درس‌هایی دارد، کارزار مبارزه علیه حکم سنگ‌سار در ایران بود. همین‌که اطلاعیه ما به زبان انگلیسی منتشر شد، حمایت گسترده‌ای از هند تا کانادا، از فرانسه تا امریکا جلب شد و به ما نشان داد که هر کارزار جدی علیه اختناق و سرکوب در ایران می‌تواند نیروهای گسترده‌ای را در سطح جهان بسیج کند. علاوه بر این تجربه مصوبه عدم همکاری با صدا و سیما نشان داد که می‌توان در چهارچوب دفاع از طبقه کارگر، مبارزه برای آزادی‌های سیاسی، «بویکت» نیروهای سرکوب در ایران را در دستور کار قرار داد. ما مصمم هستیم این کارزارها را دور از طرح سطحی منافع گروهی، حزبی، با تأکید بر «اتحاد چپ کارگری» در سطح بین‌المللی مطرح نماییم و در حال حاضر برای گسترش فعالیت این کارزار از همه نیروهای اپوزیسیون در موقعیت بهتری قرار داریم چرا که خوشبختانه در صفوف اتحاد چپ کارگری فعالین با سابقه کمپین علیه اختناق در ایران فعال هستند که تجربیات گسترده و ارتباطات‌شان در این مورد بسیار موثر بوده است. فعالیت‌های گوناگون علیه اختناق و سرکوب در ایران را باید در یک کارزار متحد بین‌المللی و با کمک فعالین چپ در اتحادیه‌های کارگری و جوانان جنبش ضد سرمایه‌داری، سازماندهی نمود.

دنباله از صفحه ۲ مصاحبه با یاسمین میظر

پیرامون مبارزات کارگری در ایران ارائه کنند که امیدوارم آغاز همکاری‌های گسترده بین این فعالین چپ و در تقویت فعالیت‌های این رفقا در دفاع از مبارزات کارگران ایران در ایالات متحده و کانادا نقش موثری داشته باشد.

«کمپین همبستگی با کارگران ایران» حمایت چامسکی، مزارش و چندین فعال اتحادیه‌های کارگری، روزنامه‌نگاران ... را بدست آورده است که برای همگی ما باعث امیدواری است و این کمپین می‌تواند با این حمایت‌ها گام‌های موثری بردارد. البته جای تأسف است که در آلمان و فرانسه ما با موفقیت‌های مشابهی در درگیر کردن نیروهای چپ این کشورها روبرو نبوده‌ایم، و باید به کمک یک‌دیگر این ضعف را جبران نمایم.

این بحث‌ها به هیچ‌وجه جای بحث سیاسی بین نیروهای چپ رادیکال، درون و بیرون اتحاد چپ کارگری را نمی‌گیرد، و ما متوجه هستیم که در این رابطه هم ضعف‌هایی داشتیم که بولتن بحث‌های نظری اتحاد چپ کارگری تا حدی این ضعف را جبران کرده است و حداقل در روشن شدن نظرها و بحث‌های گرایش‌ها درون این اتحاد و رفقای نزدیک به ما کمک می‌کند. همان‌طور که قبلاً گفتیم تجربه سمینارهای بحث فارسی چه آن‌هایی که اتحاد چپ برنامه ریزی کرده چه آن‌هایی که دیگران پی آن رفته‌اند عموماً تجربه موفق‌تری نیست. سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی نه برای شنیدن بحث یک‌دیگر که برای «دعوا، پلیسک، جبهه‌گیری» در این جلسات شرکت می‌کنند و اکثراً باعث ناامیدی حضار می‌شوند و بحث جدی هم ارایه نمی‌شود. به همین دلیل فرم سمینارها و بحث‌هایی که در بالا به آن اشاره شد، به اذعان نیروهای چپ مستقل ایرانی و اعضای سازمان‌های سیاسی، در این مرحله مفیدتر بوده است. ولی تکرار می‌کنم نباید تصور کرد ما این روش را جایگزین بحث‌های فارسی کرده‌ایم. شاید باید از این تجربه آموخت و سمینارها را بر اساس تم مشخص و تعیین شده‌ای برگزار کرد.

تک‌برگی راه کارگر: آیا اتحاد چپ کارگری فعالیت‌های ویژه‌ای در رابطه با مسایل خاورمیانه داشته است؟

یاسمین میظر: ما در هم‌کاری با کمپین همبستگی با خلق فلسطین در انگلیس موفقیت‌هایی داشته‌ایم. باز تماس‌های این فعالیت‌ها برمی‌گردد به پشتکار و ارتباطات چندین ساله رفقای عضو اتحاد چپ کارگری با فعالین جنبش فلسطین (خصوصاً در بخش رادیکال این جنبش) چون رفیق خلیل هندی از مؤسسان جبهه دمکراتیک خلق برای آزادی فلسطین و فعالین یهودی‌الاصل جنبش ضداسرائیل که از رادیکال‌ترین مدافعان حقوق مردم فلسطین

یورش تازه رژیم اسلامی به نیروهای ملی-مذهبی را محکوم میکنیم!

روز شنبه ۱۸ فروردین ۸۰ ماموران دادگاه انقلاب اسلامی در یورش تازه ای به نیروهای ملی-مذهبی، تعدادی دیگر و از جمله چند تن از اعضای شورای مرکزی نهضت آزادی را بازداشت و روانه زندان کردند. بنا بر گزارشات ارسالی به خارج کشور، مهندس صباغیان، مهندس ابوالفضل بازرگان، دکتر غلام عباس توسلی، مهندس محمد توسلی، مهندس خسرو منصوریان، مهندس مصطفی مسکین، مهندس ابوالفضل حکیمی، دکتر علی اصغرغروی، دکتر بنی اسدی و خسرو کردپور، در شهرهای تهران، اصفهان، مشهد، یوکان، در محل کار و یا منزل خود در جریان این یورش دستگیر شده اند.

دادگاه انقلاب اسلامی تهران شنبه شب طی یک اطلاعیه در باره دستگیری تعدادی از اعضای نهضت آزادی، ضمن طرح اتهام براندازی در باره آنان از جمله چنین آورده است:

«در پی کشف شبکه برانداز موسوم به ملی مذهبی ها و بازداشت تعدادی از عناصر این شبکه و اعترافات بعضی از افراد دستگیر شده مبنی بر اقدامات براندازانه از طریق نفوذ و تحریک اجتماعات، ایجاد نارضایتی، بلوا و آشوب و هم سوئی با گروه های ضد انقلاب و محارب خارج کشور و نقش محوری نهضت آزادی، تعدادی از اعضای این گروه بازداشت شدند».

در این اطلاعیه اسامی دستگیر شدگان اعلام نشده و رایبه اطلاعات تکمیلی به روزهای آینده موکول شده است. سازمان ما ضمن محکوم کردن یورش تازه مزدوران قوه قضائیه به نیروهای ملی-مذهبی، از همه آزادی خواهان ایران در داخل کشور دعوت می کند که از طریق گسترش مبارزات فرا قانونی و ایجاد تشکل های مستقل مردمی، تعرض جناح حاکم را درهم شکسته و در راستای بی اعتبار اعلام کردن قانون اساسی جمهوری اسلامی و در هم شکستن بنیادهای اصلی نظام ولایت فقیه به جلو گام بردارند.

شماره ۵۶۷

هیئت اجرائی سازمان کارگران انقلابی
ایران (راه کارگر)

۱۹ فروردین ۱۳۸۰ - ۸ آوریل ۲۰۰۱

اعدام کمال محمدی و گسترش سرکوب در کردستان را محکوم میکنیم!

گزارشات متعددی که توسط احزاب و سازمان های فعال در کردستان منتشر شده بیان گر تداوم دستگیری ها و سرکوب د ر شهرهای کردستان ایران است. بر اساس این گزارشات کمال محمدی از فعالین سیاسی و با سابقه مخالف رژیم در آخرین روزهای سال ۷۹ به جوخه اعدام سپرده شد. بر اساس همین گزارشات گروهی از دستگیرشدگان در درگیری های ایام عید در شهر مروان، زیر شکنجه قرار دارند. تعداد این زندانیان تحت شکنجه ۱۳ نفر اعلام شده است. هم چنین ماموران انتظامی و امنیتی رژیم اسلامی روز یکشنبه ۱۲ فروردین ۸۰ در شهر بوکان به خانه های تعداد زیادی از اهالی هجوم آورده و جوانان را با خود برده اند.

تشدید سرکوب و گسترش دستگیری، شکنجه و اعدام در کردستان حاکی از هراس رژیم اسلامی از اوج گیری جنبش توده ای در شهرهای کردستان است. برگزاری پر شکوه مراسم چهارشنبه سوری و نوروز در شهرهای کردستان که در این جا و آن جا با طرح شعارهای سرنگونی حکومت اسلامی توسط جوانان شوریده و مبارز هم راه بود، بار دیگر نشان داد که مردم کردستان هم چون گذشته آماده اند در برابر هجوم روحانیت حاکم شجاعانه مقاومت کنند و سنگری مستحکم برای پایداری و تداوم جنبش توده ای در راستای براندازی رژیم اسلامی و تحقق آزادی و برابری بر پا دارند.

اگر رژیم اسلامی با اعدام و شکنجه فرزندان قهرمان خلق کرد قصد انتقام از پایداری مردم کرد را دارد اما جنبش حق طلبانه مردم زحمت کش کردستان با جوئیهای متنوع جنبش توده ای در سراسر ایران درهم می آمیزد و سیلاب جنبش توده ای در نهایت نظام استبداد و فلاکت را درهم می شکند.

شماره ۵۶۶

هیئت اجرائی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۱۸ فروردین ۱۳۸۰ - ۷ آوریل ۲۰۰۱

دنباله از صفحه ۳ روزنامه <کیهان>: وحشت از تحریم رژیم

از شناس بد روزنامه کیهان، اتفاقاً قطع نامه دیگر بخش بین المللی (اتحادیه سراسری خبرنگاران بریتانیا و ایرلند) در کنفرانس ۳۰ مارس - اول آوریل ۲۰۰۱، در محکومیت سرکوب خلق فلسطین و حمایت بی قید و شرط از مبارزات خلق فلسطین و تصویب پیوستن به «به کمپین سراسری دفاع از خلق فلسطین» بود.

کارزار گسترده ای که ما از ماه ها پیش با حمایت چهره های شناخته شده جنبش مترقی بین المللی از جمله چامسکی، طارق علی... علیه صدا و سیما جمهوری اسلامی آغاز کردیم، و اتحادیه خبرنگاران بریتانیا و ایرلند که از فعالیت ما حمایت کرد، از آن چنان اعتبار و موقعیتی برخوردار هستند که اتهامات بی اساس کیهان، نتیجه ای جز گسترش فعالیت های این کارزار و تقویت هم کاری های ما با این اتحادیه در کمیسیون تحقیق قتل های زنجیره ای، نخواهد داشت.

از آن جا که روزنامه دست راستی کیهان از درک مقوله هم بستگی بین المللی نیروهای چپ عاجز است، از آن جا که جمهوری اسلامی میفهمد «تحریم صدا و سیما» تنها آغاز کارزار گسترده ای در تحریم همه ارگان های سرکوبش می باشد، چاره ای ندارد جز این که به تئوری «توطئه» آن هم از نوع صهیونیستی آن پناه برد.

اتحاد چپ کارگری مصمم است، قطع نامه های مشابهی را در سطح اتحادیه های کارگری، خبرنگاران، تکنیسین ها، مهندسی، اساتید دانشگاهی... علیه ارگانه ای سرکوب جمهوری اسلامی به تصویب برساند. روزنامه کیهان مطمئن باشد، اتهامات و اخبار کذب در این نشریه، ما را در پیشبرد کاری که آغاز کرده ایم مصمم تر می سازد و در افشای «کیهان» هم نقش موثری دارد.

هیات هماهنگی اتحاد چپ کارگری

۹ آوریل ۲۰۰۱

سرکوب نیروهای

ملی-مذهبی را قویاً

محکوم می کنیم

در شام گاه ۱۸ فروردین ۱۳۸۰ بیش از ۴۰ نفر از شخصیت های ملی-مذهبی، آقاییان طاهر احمدزاده، مهندس صباغیان، مهندس منصوریان، مهندس نعیمی پور، مهندس محمدتوسلی، دکتر غلام عباس توسلی، مهندس ابوالفضل بازرگان، مهندس مصطفی مسکین، دکتر علی اصغرغروی، مهندس ابوالفضل حکیمی، دکتر بنی اسدی، احمد صدرحاج سیدجوادی، فضل الله صلواتی، رضاتهرانی و... دستگیر و روانه ی شکنجه گاه های بی نام و نشان جمهوری اسلامی شدند.

هدف از یورش به نیروهای ملی-مذهبی، حذف آن ها از صحنه ی سیاسی کشور و مختنق تر کردن فضای سیاسی است. این اقدام نه نشانه ی قدرت که از موضع ضعف و از سر استیصال صورت گرفته است. جریان ولایت فقیه امروز در پرتو جنبش رو به رشد مردم ایران، از سایه ی خویش نیز هراس افتاده است. تهاجم به کسانی که در بیست و دو سال گذشته یا در حکومت بوده و یا به شکلی غیررسمی فعالیت آن ها تحمل می شده و با وجود محدودیت ها و موانع فراروی شان، بر فعالیت در چهارچوب قانون اساسی تاکید روشنی داشته اند، یکی از دلایل بارز این ترس و وحشت است. در این میان اصلاح طلبان حکومتی نیز با سیاست «آرامش فعال» خود، ابتکار را به دست حریف داده اند تا با استفاده از این «آرامش» اسب های ارابه ی سرکوب را فعالانه به پیش تازند و به نام قانون، خشونت تمام عیاری را بر جامعه تحمیل کنند.

ما دستگیری نیروهای ملی-مذهبی را قویاً محکوم کرده و خواهان آزادی فوری تمامی دستگیرشده گان هستیم و همه ی نیروهای سیاسی، مردم آزاده ی ایران و جامعه ی بین المللی را به مبارزه و اعتراض علیه این سرکوب ها فرا می خوانیم.

کمیته اتحاد عمل برای

دمکراسی

۳۰ فروردین ۱۳۸۰ - ۹ آوریل ۲۰۰۱

متشکل از: حزب دمکرات کردستان ایران؛

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران؛

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

کمک مالی	
۵۰۰ فرانک	FI